



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigation and Analysis of Linear manuscripts of osol –al – fosol fi hosol – al – vosol

S. Abedini, A. Tavakoli Kafiabad\*, M. Sadeghzadeh

Department of Persian Language and Literature, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 07 August 2020

Reviewed: 10 Septemebr 2020

Revised: 21 Septemebr 2020

Accepted: 19 October 2020

KEYWORDS

Manuscript, Reza Qoli Khan, Principles of Chapters in Achieving Achievements, Stylistics, Qajar Period.

\*Corresponding Author

✉ [a.tavakoli@iauyazd.ac.ir](mailto:a.tavakoli@iauyazd.ac.ir)

☎ (+98 35) 31871000

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** The manuscript "Principles of Seasons in Achieving Achievements" by Rezaghili Khan Hedayat (1215-1288 AH) is one of the authors of the Qajar era in the thirteenth century AH This work has not been edited or published yet. The book is a mystical encyclopedia in which the author deals with the course of mysticism from the past to the present. So far, two copies of this book have been introduced in the libraries of the Majlis and Bu Ali University of Hamadan. The guidance of this book is written in eighteen chapters and the attention to the eighteen principles of the book shows the essence of Sufism of the Qajar era. Given the historical and literary importance of this work, the author seeks to introduce the version of the principles of the chapters and study and the elements and components of style, expressing its linguistic features, literary, religious, mystical and historical value. Introducing this work, in addition to showing its literary status, will also be effective in explaining the scope of mysticism and Sufism.

**METHODOLOGY:** This research was conducted by descriptive-analytical method with the help of library resources.

**FINDINGS:** The author first introduces the mystical dynasties and then introduces the Nematullah dynasty and the life of Shah Nematullah Vali. From the point of view of linguistic structure, Hedayat has tried to use the language of the past and their linguistic practice in order to make his work acceptable to the general public; Hence, it has made extensive use of ancient uses of language.

**CONCLUSION:** Hedayat prose is mature and stable and far from difficulty and complexity, for this reason and due to the proximity of this work to our time, it does not have special and privileged stylistic features, and since this prose work, along with verses from other poets' poems It has cases of stylistic coordinates.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5439](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5439)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 16	 0	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی  
(بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی سبکی و محتوایی نسخه خطی «اصول الفصول فی حصول الوصول» اثر رضا قلی‌خان هدایت

سعید عابدینی، عزیزاله توکلی کافی آباد\*، محمود صادق‌زاده

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: نسخه خطی «اصول الفصول فی حصول الوصول» اثر رضاقلی‌خان هدایت (۱۲۱۵-۱۲۸۸ ه. ق) یکی از نویسندگان بنام عصر قاجار در قرن سیزدهم هجری قمری است. این اثر تاکنون تصحیح و چاپ نشده است. کتاب در حکم دایره‌المعارف عرفانی است که نویسنده در آن به سیر عرفان از گذشته تا روزگار خود پرداخته است. تاکنون دو نسخه از این کتاب در کتابخانه‌های مجلس و دانشگاه بوعلی همدان معرفی شده است. هدایت این کتاب را در هجده فصل، نگاشته و توجه به اصول هجده‌گانه کتاب، اس و اساس تصوف عصر قاجار را بنمایش می‌گذارد. با توجه به اهمیت تاریخی و ادبی این اثر، نویسنده در درصد آن است تا به معرفی نسخه اصول الفصول و بررسی و عناصر و مؤلفه‌های سبکی، بیان ویژگی‌های زبانی، ارزش ادبی، دینی و عرفانی و تاریخی آن بپردازد. معرفی این اثر، علاوه بر نشان دادن جایگاه ادبی آن در تبیین گستره عرفان و تصوف نیز مؤثر خواهد بود.

**روش مطالعه:** این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با کمک منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

**یافته‌ها:** مؤلف در ابتدا به معرفی سلسله‌های عرفانی پرداخته و سپس سلسله نعمت‌اللهی و زندگی شاه نعمت‌الله ولی را معرفی کرده است. از دیدگاه ساختار زبانی، هدایت در اثر خود کوشیده است از زبان گذشتگان و رویت زبانی آنان بهره جوید تا اثر خویش را مقبول طبع عام کند؛ از این‌رو از کاربردهای قدیم زبان، بسیار استفاده کرده است.

**نتیجه‌گیری:** نثر هدایت پخته و استوار است و از دشواری و پیچیدگی به دور، به همین دلیل و بسبب نزدیکی این اثر به زمان ما، دارای ویژگی‌های خاص و ممتاز سبکی نیست و از آنجاکه این اثر منثور، همراه با ابیاتی از شعر شاعران دیگر است، مواردی از مختصات سبکی دارد.

تاریخ دریافت: ۱۷ مرداد ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۲۰ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۳۱ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۸ مهر ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

نسخه خطی، رضاقلی‌خان، اصول الفصول فی حصول الوصول، سبک‌شناسی، دوره قاجار.

\* نویسنده مسئول:

[a.tavakoli@iauyazd.ac.ir](mailto:a.tavakoli@iauyazd.ac.ir)

۳۱۸۷۱۰۰۰ (۹۸ ۳۵)

#### مقدمه

«تصحیح انتقادی اصول الفصول فی حصول الوصول اثر رضاقلی‌خان هدایت» موضوع رساله دکتری نگارنده و موضوع آن بیان موضوعات عرفانی و عارفان عصر قاجار است. نثر دوره قاجار، متأثر از سبک بازگشت ادبی است. «در زمینه نثر از اواخر کار زندیه، قدم‌به‌قدم اصلاحات جزئی و نسبی در سبک نگارش بوجود آمده و نثرنویسی فارسی، بتدریج و تأنی، بسادگی، روانی و پختگی گراییده و تصحیح و تکلف تا حدی کمتر شده است» (از صبا تا نیما، آربن‌پور، ج ۱: ص ۵۰). پس از رواج سبک هندی در شعر دوره صفوی، کم‌کم شاعران از آن روی‌گردان شده، به سبک‌های قدیم بازگشتند. «گو اینکه ابتدا به سبک عراقی روی آوردند و اقبال به سبک خراسانی در این بازگشت، بیشتر بود و سپس به سبک خراسانی» (سبک‌شناسی، بهار، ج ۳: ص ۳۴۸). در این بین، روی آوردن به نثر مسجع و آهنگین به پیروی از سعدی و دیگر نویسندگان برجسته، رایج شد. با اینکه در این عصر رگه‌هایی از نثر ساده و مرسل رایج بود، نویسندگان هم به پیروی از شعراء سبک گذشتگان را دنبال کردند و نثرهای مصنوع، متکلف و پیچیده را کم‌کم کنار گذاشتند. این تحول در نثر آهسته‌تر از تحول در شعر رخ داد و اثر خود را در اواخر دوره قاجار و ظهور نثر جدید فارسی زمان مشروطه گذاشت.

#### ضرورت و سابقه پژوهش

یکی از آثار ارزشمند عصر قاجار، نسخه خطی «اصول الفصول فی حصول الوصول» است. کتابی مهم و ارزشمند در عرفان و توحید با نثری ساده و مرسل که با قلم توانمند، موزن و ادیب برجسته دوران قاجار، رضاقلی‌خان هدایت، بنگارش در آمده است و آن را میتوان در حکم دایره‌المعارف مهم عرفانی دانست که نه تنها سیر عرفان را از گذشته تا روزگار مؤلف در خود منعکس میکند، بلکه بطور ویژه، برداشت، تلقی و تصور عرفان و تصوف را در عصر قاجار به ما نشان میدهد. هدایت، چکیده و عصاره دریافت خود و تلقی عصر خویش را از عرفان در اصول الفصول گرد آورده است. اهمیت این موضوع، آنگاه بیشتر رخ مینماید که بدانیم کتاب اخیر، آخرین اثر و یادگار هدایت بوده که در نهایت پختگی به رشته تحریر درآمده است. در این کتاب حکایت‌های متنوعی به مناسبت موضوع، بیان شده که نمونه‌ای از ادبیات داستانی در متون نثر عرفانی فارسی است. موضوع اصلی این مجموعه را میتوان با معیار و سنجه ادبیات عرفانی و دینی بررسی کرد. پس با نگاهی جامع، میتوان از دیدگاه زبانی و ساختاری به این نسخه خطی نگریست. در این پژوهش، متن اثر به شیوه تحلیلی بررسی و کوشش شده به پرسشهای زیر پاسخ داده شود:

- منابع هدایت در بیان مطالب چه کتبی بوده است؟

- ویژگیهای محتوایی و فکری اصول الفصول چیست؟

- ویژگیهای زبانی و ادبی اصول الفصول چگونه است؟

بجز مقاله‌ای کوتاه از محمدابراهیم ایرج‌پور (۱۳۸۷)، با عنوان «اصول الفصول، دانشنامه‌ای گمنام در تحقیقات عرفانی» و رساله دکتری از همین نویسنده (۱۳۸۷)، با عنوان «تصحیح، تحشیه و مقدمه‌ای بر اصل شانزدهم و هفدهم اصول الفصول فی حصول الوصول» پژوهش دیگری در این خصوص انجام نگرفته است و تصحیح و تحشیه آن با مقابله دو نسخه بصورت کتابخانه‌ای و با فیش‌برداری توسط نگارنده، برای نخستین بار صورت گرفته است. با توجه به اینکه این اثر تاکنون مورد پژوهش قرار نگرفته، بنابراین بررسی آن از نظر ویژگیهای سبکی نیز کاملاً تازگی دارد.

#### روش مطالعه

از دیدگاه هدف، پژوهش بنیادی است و در جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها از روش اسنادی یا کتابخانه‌ای و از راه فیش‌برداری از متن نسخه خطی، بهره برده شده است. از لحاظ روش، این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که با تجزیه و تحلیل محتوایی و فکری اثر انجام شده است. این پژوهش با بررسی دو نسخه موجود از کتاب اصول الفصول در کتابخانه‌های ایران صورت گرفته است؛ همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، این اثر تاکنون بصورت کامل، تصحیح نشده؛ بنابراین مقاله حاضر، اولین پژوهشی است که درخصوص معرفی نسخه و ویژگیهای سبکی اصول الفصول انجام شده است.

### بحث و بررسی

#### زندگی‌نامه رضاقلی خان هدایت

رضاقلی خان، معروف به لله‌باشی، متخلص به هدایت در شب پانزدهم محرم سال هزار و دویست و پانزده در تهران چشم به جهان گشود (اصول الفصول، هدایت: ص ۶۰۱). پدرش از خاندانهای اصیل و گرامی قریه چادره کلاته، نزدیک دامغان بود و در ملازمت جعفرقلی خان قاجار بسر میبرد. پس از مرگ جعفرقلی خان در سال مرگ خاقان کبیر، به زیارت کربلا رفت و در آغاز به تخت نشستن فتحعلی‌شاه به خدمت او درآمد (خاطرات و خطرات، مخبرالسلطنه: مقدمه ص ۲۸). در سال ۱۲۱۵ که هدایت به دنیا آمد، در سفر خراسان بود و چون خبر ولادت فرزندش را شنید، نام رضاقلی را برای او انتخاب کرد. در سال ۱۲۱۷ صاحب‌جمع کل دیوان فارس شد و ملازمت شاهزاده حسینعلی میرزا، فرمانروای فارس یافت. در سال ۱۲۱۸ درگذشت و جسدش به نجف اشرف انتقال یافت (فهرست التواریخ، هدایت: ص ۳۳۵).

هدایت در خدمت محمدمهدی خان، متخلص به شحنه به تحصیل پرداخت و در آغاز جوانی به ملازمت شاهزاده فرمانفرما و فرزندان او درآمد و از محبت و حمایت و نوازش ایشان و شجاع‌السلطنه برخوردار بود. از سن صغر به سرودن شعر پرداخت (تاریخ روضه‌الصفای ناصری، هدایت: ج ۶: ص ۱۲۰۹). هنگامی که فتحعلی‌شاه به شیراز رفت، مورد التفات شاه قرار گرفت و چنانکه خود نوشته، بجای فتحعلی‌خان صبا که رحلت کرده بود، سمت ملک‌الشعرایی یافت. هنگام بازگشت فتحعلی‌شاه، هدایت بیمار شد و از التزام رکاب محروم گردید. بعد از مرگ فتحعلی‌شاه به ندیمی نواب فیروزمیرزا، منصوب شد. دو سال بعد، فیروز میرزا به حکومت کرمان انتصاب یافت و فریدون میرزا به فرمانفرمایی فارس مأمور گردید. هدایت را به ندیمی خود دعوت کرد و مورد التفات قرار داد (تاریخ عضدی: ص ۲۱۹). در سال ۱۲۵۴ از جانب فرمانفرمای فارس به تهران فرستاده شد و به حضور پادشاه بار یافت و در شمار مقربان و ملتزمان درآمد و تربیت عباس میرزا به عهده او واگذار شد (فهرست التواریخ، هدایت: ص ۴۵۱). بعد از درگذشت محمدشاه در سال ۱۲۶۴ همراه بزرگان و شاهزادگان به استقبال ناصرالدین‌شاه رفت و به خدمت مقرر مأمور شد، ولی به سببی چند، از آن خدمت، استعفا کرد و به کنج عزلت افتاد (تاریخ روضه‌الصفای ناصری، هدایت: ج ۶، ص ۱۲۱۰). پس از چندی باز به خدمت خوانده شد و به سفیری خوارزم، مأمور گردید و در پنجم جمادی‌الثانی سال ۱۲۶۷ از راه مازندران و استرآباد به خوارزم رفت. پس از بازگشت از این سفر، به ریاست و نظامت مدرسه دارالفنون مفتخر آمد (مجمع‌الفصحا، هدایت: ج ۱۵، ص ۸۷۷۰).

#### آثار

- مجمع‌الفصحا، معروفترین اثر رضاقلی خان هدایت که احوال ۸۶۷ شاعر را از قدیمترین ایام تا زمان خود جمع کرده است.

- ریاض‌العارفین، مشتمل است بر احوال و آثار ۳۵۴ تن از شعرای عرفا و عرفان شعرا.
- تاریخ روضه‌الصفای ناصری که هدایت به امر ناصرالدین‌شاه به تکمیل آن پرداخت.
- فهرست التواریخ، کتاب در زمینه تاریخ که وقایع و حوادث در آن بصورت سال‌شمار از قرن اول هجری تا سال ۱۲۶۷ ثبت شده است.
- سفارت‌نامه خوارزم، شرح حال وقایع سفر هشت ماه به خوارزم.
- اجل التواریخ، درباره سلاسل سلطنتی و پادشاهی ایران که به دستور مظفرالدین شاه نوشته شده است.
- مظاهرات‌الانوار، خلاصه معجزات پیامبر اسلام (ص) و شرح حال چهارده معصوم.
- ریاض‌المحبین، به نثر، حاوی ابیاتی از مؤلف و دیگر شعرا.
- مدارج‌البلاغه، در علم بدیع و معرفتی صنایع این علم.
- شمس‌الحقایق، برگزیده قصاید و غزلیات مولانا.
- مفتاح‌الکنوز، شرحی بر دشواریهای اشعار خاقانی.
- گلستان ارم، منظومه‌ای در شرح مهرورزی رابعه با بکتاش.
- نژادنامه، به نثر، در نسب‌نامه شاهان ایرانی.
- لطایف‌المعارف، رساله‌ای منثور با موضوع عرفان، آمیخته به نظم.
- مجمع‌الاسرار، برگزیده آثار شاه نعمت‌الله ولی.
- دلیل‌الساکین، برگزیده آثار شاه نعمت‌الله ولی.
- انیس‌العاشقین، بر وزن لیلی و مجنون با موضوع ستایش ائمه و بزرگان دین.
- منهج‌الهدایه، مثنوی در بحر مجتث که از حماسه‌های دینی محسوب میشود.
- انوارالولایه، مثنوی بر وزن مخزن‌الاسرار با موضوع ستایش ائمه و بزرگان دین.
- هدایت‌نامه، منظومه‌ای در بحر رمل به تقلید از مثنوی.
- بحرالحقایق، مثنوی بر وزن حدیقه.
- خرم‌بهشت، مثنوی بر وزن شاهنامه.
- خردنامه مظفری، مثنوی در مدح خداوند و نعت پیامبر (ص).
- دیوان قصاید.
- دیوان غزلیات.
- کلیات اشعار.
- ریاض‌العاشقین.
- منشآت.
- بیاض‌امیرالشعرا.
- اصول الفصول فی حصول الوصول.

#### معرفی نسخه‌ها

#### نسخه خطی کتابخانه دانشگاه بوعلی

نسخه خطی اصول الفصول فی حصول الوصول کتابخانه دانشگاه بوعلی همدان با عبارت «هُوَاللَّهُ تَعَالَى» آغاز

کرده و سپس عبارت «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» و در سطر بعدی، اصول الفصول فی حصول الوصول را آورده است.

آغاز: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَشَّحَ مِنْ سَبَّحَاتِ أَمْرِهِ أَمْطَارَ رَحْمَةٍ...

انجام: از وی اصغا نموده بودند ما را القا نمودند.

نسخه خطی اصول الفصول به شماره ۱۰۷ در کتابخانه بوعلی نگهداری میشود. درخصوص مشخصات این نسخه، چنین آمده است: «اصول الفصول فی حصول الوصول (عرفان فارسی) از میرزا رضا قل بن محمدقلی نوری، امیرالشعرا هدایت (۱۲۸۸)، (الذریعه، ۲۰۰/۲، فهرست منزوی ۱۰۴۳/۲) با خط نستعلیق و عبارتهای عربی نسخ، شاید به خط مؤلف، عناوین و نشانیها سنگرف، در حاشیه اشعاری افزوده شده است. جلد تیماج قهوه‌ای ضربی، ۲۶۰ برگ، ۲۴ سطر، اندازه ۲۲ در ۱۸ سانتیمتر (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه بوعلی، اشکوری: ص ۵۷).

### نسخه خطی کتابخانه مجلس

نسخه منحصربفرد اصول الفصول، از آثار قرن سیزدهم هـ. ق. و به خط نسخ خوب و عناوین به رنگ سرخ، در ۲۲ سطر به فارسی است که در بخش نسخ خطی کتابخانه مجلس به شماره ۲۱۰۳ نگهداری میشود. این نسخه با جلد تیماج سرمه‌ای تیره در هشتصد و بیست صفحه به طول ۳۳/۵ در ۲۱ سانتیمتر در قطع وزیری بزرگ، با کاغذ کبریتی آبی مهره‌دار است که توسط حاج مخبرالسلطنه به شماره ۲۲۹۲۰، تقدیم کتابخانه مجلس شد. نویسنده، کتاب را با عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز کرده و سپس عبارت «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ...» را آورده است و با عبارت «در ناسخ التواریخ مرقوم است.» به پایان رسانده است (فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، نفیسی، ج ۶، ص ۹۰).

### ساختار نسخه خطی اصول الفصول

هدایت در مقدمه کتاب، هدف خود را از نوشتن اصول الفصول بدینگونه بیان میکند: «و محرر این اوراق حقایق آثار از صاحبی بزرگوار مأمور شد که در بیان بعضی امور حقه که به یکدیگر متعلق و مناسبتند از اخبار و احادیث حضرت نبوی و ائمه مرتضوی - علیهم السلام - و علمای کبار و حکمای بزرگوار و ارباب بینش و اصحاب دانش به شرح رشیحی پردازد و آن مطالب و معارف را اصل و فصلی مرتب سازد. پس به تألیف این رساله پرداخت و به دو ملاحظه آن را به اصول الفصول فی حصول الوصول، موسوم ساخت و فی الحقیقه این فقیر در میانه، ناقل و کاتب خواهد بود نه قائل و صاحب» (اصول الفصول، مجلس: ص ۴).

چنانکه از نام اصول الفصول نیز برمی‌آید، بخشهای مختلف کتاب با «اصل» و «فصل» نام‌گذاری شده است و عنوانهای دیگری همچون «بدانکه»، «تحقیق» و «مخفی نماند» نیز بچشم میخورد. اشعار متن هم با عنوانهایی چون «رباعی»، «شعر»، «نظم»، «مثنوی» و اشعار عربی بصورت «عربی» مشخص شده‌اند. هدایت پیش از اشعار خود که در کتاب گنجانده، عنوان «لمؤلفه» را طبق معمول گذشتگان و دیگر آثارش قرار میدهد. این کتاب بر هجده اصل بنا نهاده شده است و توجه به اصول هجده‌گانه کتاب میتواند استخوان‌بندی تصوف عصر قاجار را بنمایش گذارد و البته اصل هفدهم کتاب به مشرب خاص عرفانی هدایت و تعلق خاطر او به سلسله نعمت‌اللهیه

بستگی دارد. نکته دیگر این که اصلهای کتاب هر چه بیشتر میرود، حجم بیشتری مییابد تا آنجا که سه اصل پایانی، بیشتر از نیمی از کتاب را به خود اختصاص میدهد.

### ویژگیهای نگارشی و رسم الخطی

برخی ویژگیهای نگارشی نسخه مورد بحث عبارتند از:

در کتاب، هیچگونه علامت نگارشی مشاهده نمیشود.

آیات قرآنی و عبارات و ابیات عربی مشکول هستند و نویسندگان در نگارش آنها دقت کافی داشته است: وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (همان: ص ۳).

چنانکه معمول کاتبان این دوره است، حرف «گ» با یک سر کج بصورت «ک» نوشته شده است: «چه شایقان که طالب دریافت آن کنج گردیده‌اند در بسته را کشود» (همان: ص ۱).

حرف «ت» در انتهای کلمات عربی در اکثر موارد بصورت «تای» گرد کتابت شده است: «از جهه ارواح متغذیه» (همان: ص ۶)؛ «سرمایه نجاه ابدی» (همان: ص ۷)؛ «رخصت در تکلم از جهه ضروره شبهه معاندین است» (همان: ص ۱۲).

و در مواردی بصورت «ت» نوشته شده است: «و حکایت با علما و خردمندان در مزابل که کنایت از مکان کثافت است» (همان: ص ۸).

همزه بعد از الف زائد بصورت «ئ» نوشته شده است: «آدم مسجود جبرائیل مقبول شد» (همان: ص ۱).

گاهی همزه پایانی «اء» بصورت «آء» نوشته شده است: «او را باسمآء/شیآء که ملائکه» (همان: ص ۱۳).

گاهی همزه «ئ» بصورت «ء» نوشته شده است: «احتراز از بخل و دناءت بشرط آنکه سودی نشود» (همان: ص ۵۰).

گاهی همزه پایانی «اء» بدون همزه پایانی بصورت «ا» نوشته شده است: «مر انبیا را» (همان: ص ۶)؛ «علم، میراث انبیا است» (همان: ص ۷).

گاهی همزه پایانی «اء» بدون همزه پایانی بصورت «ء» نوشته شده است: «فیض از مبداء المبادیست» (همان: ص ۶۶۴).

کلمات مختوم به الف ممدود در حالت اضافه و وصف گاهی با همزه و گاه بدون همزه، گاه با «ی» و گاهی بدون «ی» نوشته شده است:

«هادیان سبل یعنی طبقات رسل و انبیای معظم و اوصیای مکرم علی نبینا وآله و علیهم سلم خاصه بر خاصه بنی آدم و خلاصه هر دو عالم» (همان: ص ۲).

مصوت آغازین «است» گاهی حذف شده است:

هر نقش که بر صفحه هستی پیداست آن صورت آن کس / است کان نقش آراست

(همان: ص ۲)

«ی» وحدت و نکره در رسم الخط این کتاب به شکل «ء» آمده است: «تا بمرتبه که میگردانند» (همان: ص ۱۲۶)

«ی» نکره و اضافه و نیز شناسه «ای» جانشین فعل ربطی در کلمات مختوم به «های» غیرملفوظ بصورت همزه آمده و گاهی ذکر نشده است:

- «اما مجادله کلام و تعمق در فتاوی» (همان: ص ۱۲).
- جدانویسی «ن» نفی از فعل بعد از خود: «تأثیری صورت نه بندد» (ص ۴۹).
- «های» بیان حرکت پیش از نشانه جمع «ها» حذف شده است: «حق تعالی چشمهای حکمت از دل او بر زبان او جاری گرداند» (همان: ص ۹۴).
- گاهی «ها» ی بیان حرکت به رسم‌الخط قدیم نوشته شده است: «فرمودند بلی داخل شو» (همان: ص ۱۰۰).
- گاهی (های) غیرملفوظ هنگام اضافه شدن، پسوند مستقل نوشته میشود و تبدیل به (گ) نمیشود. مواردی مانند: «در تازه‌گی بهم رسیده» (همان: ص ۱۱).
- حرف اضافه «به» در همه موارد به کلمات بعدی پیوسته است: «کواکبی بدین علو و احتشام بیازبچه خلقت نیافته» (همان: ص ۳).
- پیشوند فعلی «به» گاهی جدا و گاهی پیوسته از فعل نوشته شده است: «تأثیری صورت نه بندد» (همان: ص ۵۰).
- کاتب به سرهم‌نویسی و یا جدانویسی اجزای کلمات مقید نبوده و حتی گاه دو کلمه جدا را پیوسته نوشته است: «در صورتیکه صدرنشین مسند لولاک ... است» (همان: ص ۲).
- اضافه شدن «یک» به کلمه بعد از خود: «دل را بیکساعت چنان ترکیه نفس حاصل شود» (همان: ص ۱۹).
- «می» استمراری به هر دو صورت جدا و پیوسته نوشته شده است: «مسلم جمهور است که میفرماید» (همان: ص ۴)؛ «و عالم جبروت بر او نازل میشوند» (همان: ص ۶).
- مصوت آغازین ضمائر اشاره این و آن پس از حرف اضافه و ربط حذف شده است: «از این»، «از آن» و «بر این» و «بر آن» همه‌جا بصورت «ازین» و «ازان» و «برین» و «بران»، نوشته شده است: «و عبارت ازین سه نفس در قران مجید بنفس اماره...» (همان: ص ۵۱).
- واژه «دوم» و «سوم» در اکثر موارد بصورت «دویم» و «سیم» نوشته شده است: «یکی حرص دویم حسد سیم شهوت» (همان: ص ۱۶).
- گاهی بجای «گ»، «ج» نوشته شده است: «جناب میر سید شریف جرجانی که در شیراز بود» (همان: ص ۴۹۷).
- صفت اشاره به کلمه بعد، متصل نوشته شده است: «که در آنجا غذای مناسب آنمکان یابد و او را علوم و شناختی باشد لایق آنمقام» (همان: ص ۱۹).
- مصوت بلند «ا» در پایان واژه‌ها، گاهی بصورت «آ» آمده است: «از کتب منزله و اخبار انبیا معلوم میشود» (همان: ص ۵۹).
- بعضی واژه‌ها با رسم‌الخط قدیمی نوشته شده است: «کیفیت طهارت و صلوه و صوم و زکوه و غیر اینها» (همان: ص ۹).
- بعضی واژه‌ها با «ط» ترکی و عربی نوشته شده است: «از دارالملک طهران بصوب بغداد شتافت» (همان: ص ۶۵۷).
- واژه‌هایی همچون داوود و طاووس و... با یک واو نوشته میشود: «در اخبار آمده که حضرت داود» (همان: ص ۴).
- گاهی «ث» بجای «س» بکار رفته است: «چنانکه حکیم ثنایی گفته...» (همان: ص ۵).
- در بیشتر مواردی که نسخه همدان کلمه (خاطر) نوشته، نسخه مجلس (خواطر) مینویسد: «آن بزرگوار بر لوح خواطر مینگاشت» (همان: ص ۶۵۶).



الف مقصوره به رسم الخط زبان عربی نوشته شده است: «فتوی به قتل او داده» (همان: ص ۶۴۹).  
کلمه خاستن و مشتقاتش که به معنی بلند شدن و برخاستن است با واو معدوله نوشته شده است: «پس بهوش آمد و برخواست و نشست» (همان: ص ۳۸۶).

### بررسی سبک‌شناسی اصول الفصول

نثر هدایت در اصول الفصول پخته و استوار است و از دشواری و پیچیدگی به دور، به همین دلیل و بسبب نزدیکی این اثر به زمان ما، دارای ویژگیهای خاص و ممتاز سبکی نیست و از آنجاکه این اثر منثور، همراه با ابیاتی از شعر شاعران دیگر است، مواردی از مختصات سبکی دارد. ترکیبات و عبارات عربی در کتاب بحدی است که عربی‌مآبی نویسنده در اولین صفحات کتاب، مبرهن است. استشهاد به آیات و احادیث، شواهد منظوم و منثور متعدد، ضرب‌المثله و اقوال مشایخ و بزرگان در آن فراوان است. صنایع بدیعی نظیر جناس، مراعات‌النظیر، اشتقاق و ... در کتاب بوفور بچشم میخورد که برای نمونه میتوان به موارد زیر اشاره کرد.

### سطح زبانی

الف(آوایی؛ ب) لغوی؛ ج) نحوی

در سطح آوایی: موسیقی بیرونی و درونی و مسائل کلی مربوط به تلفظ مانند ابدال، اماله، تخفیف و ... بررسی میشود؛ «آنچه خصوصیات زبانی یک اثر ادبی را مشخص میکند، عبارت است از ویژگیهای آوایی واژگها، واژگان، گروههای اسمی و فعلی و جمله و ارتباط مؤثری که بین این اجزا وجود دارد. آواها در شکل و محتوای متن تأثیرگذارند. در علم زبان‌شناسی «آوا» در حقیقت امواج هواست که خود نوعی ماده محسوب میشود. آواشناسی توانایی کلی انسان را در زمینه تولید و دریافت آواهایی که در زبان بکار میرود، توصیف میکند» (آواشناسی، حق‌شناس: ص ۱۱-۱۲) اما در ادبیات منظور از سطح آوایی، سطح موسیقایی متن است و تکرار برخی صامتها و مصوتها میتواند در این زمینه نقش‌آفرین باشد. در این اثر نیز همانند دیگر آثار، تغییرات آوایی دیده میشود و این نشانگر تغییر و تحول دائمی زبان است. بررسی تفاوت آوایی واج‌گونه‌ها از لحاظ حفظ هویت و تلفظ عادی لهجه‌های هر زبانی، مهم و معتبر است؛ یعنی «اگر در صورتهای زبانی گوناگون، مشخصه‌های آوایی یا واج‌گونه‌های صداها نمایان نگردد. بروشنی معلوم میشود که تلفظ آنها از صورت عادی، انحراف داشته و همین نشان‌دهنده گونه تلفظی خاصی میباشد» (دستور زبان فارسی، مشکوة الدینی: ص ۱۳۰). فرایندهای ساخت هجا به آن دسته از عملکردهای آوایی درون هجا گفته میشود که بر اثر آن بویژه در بافت پیوند تکواژهای سازنده واژه، بر مشخصه‌های صوتی صداها و نیز توزیع آنها در درون هجاهای سازنده واژه تأثیر میگذارد (همان: صص ۱۳۶-۱۳۷). بدین معنی که بر اثر فرایندهای یادشده ممکن است صامتی و یا مصوتی از یک هجا حذف و یا در آن وارد شود، یا دو صدا در یک بخش آوایی با هم آمیخته شوند، یا مشخصه‌های آوایی یک‌صدا، تغییر یابد و یا جای دو صدا عوض شود (قلب). هر یک از فرایندهای یادشده میتواند در ساخت هجا تغییری پدید آورد؛ هر کدام از این تغییرات هجایی را تحت عنوان حذف، افزایش، تبدیل و جابجایی صدا (قلب) همراه با شاهدمثالی از اصول الفصول در ذیل آورده‌ایم.

### سطح آوایی

حذف: «گویند سید در حوالی آسیا، طرح باغی انداخته» (اصول الفصول: ص ۴۷۴). «و خود شیخ نجم‌الدین هم در آن فتنه شهید شد» (همان: ص ۴۷۵)

قلب: «در بیرق سرخی که داشتند، شکل هلال ماه و شمشیر که کنایه از ذوالفقار است» (همان: ص ۴۸۱).

«و هرگز، روی هوشیاری و بیداری ندیدند» (همان: ص ۲۱).

ادغام: «من از شعر بیزارم و پیش من از این بتر چیزی نیست» (همان: ص ۴۸۳).

«عاشقی است جانباز و عارفی خانه‌برانداز در جذب و فنا یگانه» (همان: ص ۲۶۱).

واج‌آرایی: این آرایه نیز در این رساله، فراوان یافت می‌شود و اغلب باعث زیبایی متن شده است: «ولایت خاصه مخصوص است بواصلان از اهل سلوک» (همان: ص ۱۵۰). «عجب خجسته حدیثی است من سگ در او» (همان: ص ۱۳).

اشتقاق: «در معرفت کنه ذات ما عرفناک فرماید» (همان: ص ۱). «از صاحبی بزرگوار مأمور شد که در بیان بعضی امور حقه» (همان: ص ۷).

### سطح واژگانی

الف) کاربرد واژگان و مفردات، جملات، عبارات، ترکیبات، اسماء، مصادر، صفت تفضیلی و ذکر تاریخ به عربی: مکشوف، مکتوب، مقتول، معمور، فارس، مصادره، احقر، افقر، احیاناً، تخمیناً، سابقاً.

«در فهم اسرار کلمات الهی حکمای وسیع‌الفهم قویم النظر مستقیم‌الفکر رمطح‌البصر و مطرح‌نظر، همواره بر حقایق کلیه محیطه افراد غیر متناهی و مفهومات غیر حاصره مشتغله بر اشخاص غیر محصوده است» (همان: ص ۲۷۵).

«ولیکن اصول و قواعد کلیه که از عمومات کتاب و سنت معلوم شود با عدم معارض نص، بخصوصه اینها را متبع میدانم و تفصیل این امور در مجلد آخر کتاب بحارالانوار مذکور است» (همان: ص ۹۴).

«و صاحب کرامات و خوارق عادات محسوب می‌گشته‌اند» (همان: ص ۶۵۵).

«و مثل کواکب در نحوسات و وبال و اتصالات نحسبه» (همان: ص ۶۴۲).

«کما قال الشبستری قدس سره» (همان: ص ۲۲).

«جناب سید نعمت‌الله جزایری رحمه‌الله علیه به این طریق نیز دیده شده» (همان: ص ۱۱۰).

«وفاتش در سنه اربعه و خمسين و ستمائه در بغداد و قبری که در خارج مقبره شیخ سری سقطی و جنید بغدادی است» (همان: ص ۴۷۴).

### ب) کاربرد وجه وصفی

«به مشهد مقدس آمده بعد از زیارت در قاین قهستان توطن کرده، متأهل شده، سید در آنجا متولد شده به تحصیل پرداخته» (همان: ص ۱۸).

«سهروردی به استقبال آمده از اسب پیاده شده، زانوی بهاء‌الدین را بوسیده و موزه از پای او کشیده» (همان: ص ۲۳).

### ج) کاربرد فعل مجازی

افعالی مانند «نمودن» و «گردیدن» در معنای مجازی به منظور جلوگیری از تکرار افعال که توسط نصرالله منشی در کلیله و دمنه آغاز شده بود و تا به امروز نیز رواج دارد (سبک‌شناسی، بهار، ج ۲: ص ۲۸۹). «محافظة نمودن اموال ایتام و قاضی و حاکم شدن و غلبه نمودن بر خصم، چه بعید است» (اصول الفصول: ص ۱۲).

**افعال پیشوندی:** «ناقه را بخوابانید و بدوگفت برنشین و او را برنشانند» (همان: ص ۳۸۵).

«او را محکم در پرگرفت» (همان: ص ۵۲۰).

**کاربرد جمعهای نادرست:** «و جمعی از ارازل و اشرازان ديار» (همان: ص ۶۵۷).

«تعهد در امورات» (همان: ص ۶۶۶).

**کاربرد علامت جمع عربی بجای جمع فارسی:** «زیرا که از صلحا و مقربین غیر» (همان: ص ۶۶۰).

«و آلا ما که علما و مجتهدین و ائمه این شهریم» (همان: ص ۷۸۹).

**کاربرد «گزاردن»:** «گزاردن» در معنای انجام دادن و ادا کردن در ترکیبهایی چون نماز گزاردن و خدمت گزاردن، در هر دو نسخه بصورت «گزاردن» نوشته شده است: «ادای شکر نعمت به دیدار منعم گزارند» (همان: ص ۲۲).

### سطح ادبی

زبان ادبی زبانی است مختل و تصویری؛ یعنی مرکب از تشبیه و استعاره و مجاز و ... است (بیان، شمیسا: ص ۳۸). ساختار بلاغی دربردارنده تمام مؤلفه‌های بدیع معنوی و بیان است. با توجه به اینکه جنبه تاریخی اثر بر جنبه‌های ادبی آن رجحان دارد، به عبارتی متن بیش از آنکه بر ادبیت کلام متمرکز شود، معنای محور است، در نتیجه مخاطب با حوزه‌های بلاغی خاص مواجه نمیشود. آنچه متن اصول الفصول را مانند دیگر آثار عرفانی و ادبی از روایت صرف و نقل ساده جدا میکند و در قلمرو آثار ادبی قرار میدهد، زیبایی آفرینی و هنرمندیهای نویسنده در بیان نکات و مفاهیم عرفانی است. اگرچه این شیوه بکارگیری فنون ادبی در آرایش کلام و خلق تصاویر متداول است و وسعت فراوانی دارد، ما در این قسمت به برجسته‌ترین و مهمترین آنها که در این اثر، بازتاب بیشتری دارند و از ویژگیهای سبکی آن شناخته میشوند خواهیم پرداخت. برخی از آرایه‌هایی که با بسامد بیشتر در این اثر بکاررفته به شرح زیر است:

### تلمیح به آیات و احادیث

تقریباً در همه صفحات اصول الفصول، تلمیح به آیات قرآن و احادیث وجود دارد و یا مفهوم حدیث یا آیه‌ای بیان شده است. این ویژگی از مهمترین مختصه‌های اصول الفصول است. در این اثر، کاربرد آیات و احادیث بگونه‌ای است که اگر از متن حذف شوند، جملات و معانی آن دچار نقصان و کاستی میشود.

«نفس رسول و علی یکی بوده، چنانچه رسول فرموده: «یا علی نَفْسُکَ نَفْسِی» و به ده وجه، علم را بر مال، فضل و شرف است» (همان: ص ۱۲).

«آخر الامر بنا بر سعایت ارباب حسد فی جیدها حیل من مسد، مزاج پادشاهی بر او تغییر یافت» (همان: ص ۶۵۷).

«وارد شده است در حدیث «انْ اِثْمُ اَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» و نامیده میشود علمی که مقصود از آن عمل است» (همان: ص ۱۱).

تلمیحات و تضمینات بسیاری در این نسخه دیده میشود که میتوان آنها را به چند نوع تقسیم کرد. الف) تلمیح به داستانها و حکایات قرآنی: در این رساله از پیامبران بویژه حضرت محمد (ص)، حضرت موسی (ع)، عیسی (ع)، نوح (ع)، یعقوب (ع) و ابراهیم (ع) بسیار نام برده شده و حکایات و سخنانی از آنها ذکر شده است. از جمله بیان معجزات حضرت محمد (ص)، داستان تبدیل شدن عصای موسی به مار، داستان مرده، زنده کردن توسط عیسی (ع) و ...

«خبر رسیده است که پیغمبر شق القمر فرمود یا آفتاب را به دعا برگردانید» (همان: ص ۲۶۲).  
«هر وقت که نسیم الطاف حق از مهب عنایت به مشام روح میرسد یعقوب‌وار با دل گرم و دل سرد گوید...» (همان: ص ۲۳)

ب) تلمیح به داستانهایی که در کتب ادبی و تاریخی آمده است؛ روش کار مؤلف در این قسمت آن است که معمولاً حکایت‌های منظوم را به نثر تبدیل کرده و یا عین حکایت نثر را بدون تغییر آورده است. از جمله تلمیح به داستان حمله مغول به شهر خراسان و شهادت نجم‌الدین رازی (همان: ص ۴۶۶).

#### تضمین

در این اثر از آیات، احادیث، حکایات عرفانی، حکایات تاریخی و اشعار فارسی و عربی بسیار استفاده شده است. ۲۹۸۴ بیت شعر فارسی و ۸۴ بیت شعر عربی در متن آمده است. همچنین از قالبهای مختلف شعری چون قطعه، رباعی، مثنوی در متن استفاده شده است. در این اثر مجموعاً ۱۵۴ آیه قران و ۱۰۴ حدیث و روایت بکار رفته است و ۶۳۴ حکایت کوتاه و بلند آمده است. از این تعداد ۱۳۶ حکایت با جمله «نقل است»؛ ۱۲۰ حکایت با عنوان «روزی»؛ ۲۴۲ مورد با «گویند»، سی‌ودو مورد با جمله «آمده است» و ۳۴ مورد با جمله «نوشته‌اند»، آغاز شده است.

مؤلف به دو شکل مطالب را از منابع مختلف نقل کرده است:

الف) نقل اشعار و مطالب دیگر با ذکر نام شاعر یا مؤلف یا مأخذ. هدایت در اصول الفصول، اشعار بسیاری با ذکر نام سرایندهگان آن ذکر کرده است. بخش اعظم این اشعار، اشعار منتخبی از حافظ، مولانا، سعدی، سنایی غزنوی، شاه نعمت‌الله ولی و ... بوده که به فراخور حال و هوای متن از آنها بهره برده است که در ادامه به چند نمونه اشاره میشود:

اگر لذت ترک لذت بدانی	دگر شهوت نفس، لذت نخوانی
هزاران در از خلق بر خود بیندی	گرت باز باشد دری آسمانی
(همان: ص ۶)	
علم کز تو تو را بنسوتاند	جهل از آن علم به بود صد بار
علم نر آمد و هنر ماده	دین و دولت از این دو شه‌زاده
	(همان: ص ۴۱)

ب) نقل اشعار بدون ذکر نام شاعر: بسیاری از این ابیات متعلق به شاعران شناخته‌شده ادب فارسی و عربی است؛ اما برخی از شعرهایی که در این مجموعه آمده از خود مؤلف است و با عبارت «لمؤلفه» آمده است.

**تشبیه:** مصادیق تشبیه در اصول الفصول در دو حوزه، «فشرده» و «گسترده» قابل بررسی است، در بخش «تشبیهات گسترده» از میان اقسام تشبیه، «تشبیه مقید و مرکب» از بسامد درخور توجهی برخوردار است. «خورشید سپهر امن و ایمان عقل است» (همان: ص ۲۴).

«مثل محمد در میانه اهله مثل نخلی است که در میان کناسه و مزبله باشد» (همان: ص ۱۸۷).  
«مردن آدمی مانند تولد طفل است» (همان: ص ۶۱).

اغلب تشبیهات هدایت از نوع «اضافه تشبیهی» میباشند. در «تشبیهات فشرده» هدایت، ابداع و ابتکار بندرت مشاهده میشود، به بیان دیگر این موارد، بیشتر مبتنی بر تکرار مضامین پیشینیان است. «دیگ حسد در کانون سینه ایشان بجوش آمده، بنیاد عداوت کردند» (همان: ص ۶۵۷)  
«طفل روح، چون به مهد قالب پیوست» (همان: ص ۲۷).

**کنایه:** برخی تعابیر و کنایات که گویا در زمان مؤلف رواج داشته در اصول الفصول دیده میشود:  
«جنگ قایم شد» (همان: ص ۱۷۷)، بجای: جنگ به پا شد.

«به مرتبه‌ای رسیدن» (همان: ص ۶۲۱)، بجای: به حدی یا به جایی رسیدن.

«سراغ کرده» (همان: ص ۲۷۲)، بجای: سراغ داشته.

«ای بس باز شده‌ها گره خورد و ای بسا گره‌زده‌ها باز شود» (همان: ص ۷۴)، جمله کنایی به معنی: تغییرات بسیار در همه چیز ایجاد شود.

**سجع:** در خلال سطور، گاه سجع‌هایی گنجانده شده که طبیعی مینماید و باعث اخلاص در درک متن نمیشود، مانند:

«در خانه سماع را اساسی ندیدند و در بیرون، خوف و هراسی نیافتند، نه کسی به رعایت و اعانت برخاست و نه کسی بازار حمایت و اهانت آراست. مردی آرمیده، متوکل به تسلیم و رضا به قضا دیدند و از او خجالت کشیدند. نه سبب پرسید و نه از اسباب ترسید» (همان: ص ۱۷۰). یا نمونه‌ای دیگر:

«اولیا را اقتدا به انبیا و پیروان را انتما به پیشواست؛ اگرچه آن تحقیق و این تقلید باشد، چه تمام اعمال امت، متابعت و اقتفای صاحب نبوت است و اعمال و افعال پیروان، مثال است نه مثل و فرع است نه اصل، تن است تا آن، اما به ملاحظه دیگر، جان بی تن و سر بی بدن و اثر بی مؤثر و صور بی مصور نخواهد بود» (همان: ص ۲۸۷).

**مراعات نظیر:** تقریباً در تمام صفحات این رساله تناسب وجود دارد.

«منم صاحب بهشت و دوزخ، بهشتیان را بهشت میدهم و دوزخیان را دوزخ، منم تزویج کننده بهشتیان را بحوریان و عذاب کننده دوزخیان را بعداب» (همان: ص ۱۶۵).

«گاه چاوش جلالش بدور باش، قهر عالم و عالمیان را میراند» (همان: ص ۱).

«طوالع انوار حقایق هر دلی مقتبس از مشکات ولایت علی (ع) است» (همان: ص ۵۵۱).

«مرغ روح مطهرش به ریاض بهشت مأوی گزید» (همان: ص ۴۷۰).

### سطح فکری (بنمایه‌های فکری و محتوایی اثر)

موضوع مهمی که از سخنان هدایت دریافت میشود، اینکه اصول الفصول دربرگیرنده تمام مطالبی است که در بیان بعضی امور حقه از آیات، روایات و آثار گذشتگان فراهم آمده و هدایت درباره تک تک این موارد به «شرح

رشیحی» پرداخته است. به عبارت بهتر، اصول الفصول، در حکم دایره‌المعارف مهم عرفانی است که نه تنها سیر عرفان را از گذشته تا روزگار مؤلف در خود منعکس میکند، بلکه بطور ویژه برداشت، تلقی و تصوّر عرفان و تصوف را در عصر قاجار به ما نشان میدهد. به بیانی دیگر هدایت بعنوان یکی از نمادهای برجسته فرهیختگی و اندیشمندی که خود سالها علاوه بر امور درباری و دیوانی و مطالعات درازدامن، در مسیر عرفان و تصوف، نیز سلوک کرده بود، چکیده و عصاره دریافت خود و تلقی عصر خویش را از عرفان در اصول الفصول گردآورده است. در این میان، دو اصل شانزدهم و هفدهم از اهمیت بیشتری برخوردار است. در اصل شانزدهم ابتدا مقدمه‌ای مختصر در مورد انتساب تمامی رشته‌های تصوف جز نقشبندیه به حضرت علی (ع) دارد، سپس به معرفی و توضیح در مورد سلسله عرفانی همچون: کبرویه، نوربخشیه، سهرودیه، صفویه، بکتاشیه، مولویه، رفاعیه، نقشبندیه میپردازد و پس از آن با تفصیل بیشتری سلسله نعمت‌اللهی، زندگی شاه نعمت‌الله ولی و مریدان بنام ایشان را معرفی و بازشناسی مینماید. این اصل به دلیل شناخت سلسله عرفانی و چگونگی اتصال و انتساب آنها به ائمه معصومین و نهایت، مولی‌الموحدين، علی (ع) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اما توجه خاص هدایت به سلسله نعمت‌اللهیه، علاوه بر ارتباط و اتصال او به این سلسله، دلیل دیگری هم دارد. در پایان عهد صفویان که اساساً حکومتشان بر مبنای تصوف شکل گرفته بود، کم‌کم عرفان و تصوف رو به افول و نزول گذاشت و سرانجام همانند شعر به هند مهاجرت کرد و شصت، هفتاد سال تقریباً اثری از عرفان و تصوف در ایران نبود و تعداد اندکی هم که در جرگه اهل عرفان بودند، انگشت‌شمار بودند؛ تا در اواخر زنده، سیدی عارف به نام معصوم علیشاه دکنی که از مشایخ کبار سلسله نعمت‌اللهی بود، مأمور ترویج عرفان در ایران میشود و از آن پس همواره سلسله نعمت‌اللهی، فراگیرترین و پرشمارترین سلسله عرفانی این سرزمین بوده، چنانکه حتی این سلسله، خود به شعب و فرق مختلفی نیز تقسیم شده است و این خود میتواند دلیل دیگری بر توجه بیشتر هدایت به سلسله بزرگ و دربرگیرنده نعمت‌اللهی باشد.

اصل هفدهم اصول الفصول نیز که بیشترین اهمیت و حجم را از میان دیگر اصلها دارد، به معرفی زندگی و آثار عارفان بزرگ معاصر هدایت، اختصاص دارد و امتیاز این اصل، اطلاعات ناب و دست اولی است که میتوان از گمنامان این عصر بدست آورد.

از ویژگیهای قابل‌ذکر دیگر اصول الفصول بخصوص در اصل هفدهم، آن است که هدایت پس از معرفی هر عارف برجسته و بزرگ، گزیده‌ای از آثار یا شعر آن عارف را در کتاب خود گنجانده است. بدین صورت آثاری از این دست که در گمنامی کامل بوده‌اند، در این کتاب هدایت بصورت چکیده و مجمل ارائه میشود. به بیانی بهتر اصول الفصول علاوه بر مزایای پیش‌گفته، مجموعه‌ای از منتخب و گزیده آثار عرفانی روزگار خود را نیز بدست میدهد. علت عمده این کار البته عدم صنعت چاپ در گذشته بوده است.

با مطالعه اصول الفصول به جامعیت علمی و گستره انبوه اطلاعاتی رضاقلی‌خان پی خواهیم برد. او کتابهای متنوع و بسیاری را از قدیمترین ایام تا روزگار خود از نظر گذرانده است. درباره منابع هدایت در اصول الفصول گفتنی است که او در بیان اکثر موضوعات یا شخصیتها تقریباً از بهترین منابع بهره گرفته است. اما در مقایسه‌ای گذرا میان اصول الفصول و دو کتاب مشهور و مشابه آن یعنی، *نفحات الانس جامی و تذکره الاولیای عطار*، میتوان امتیازاتی برای کتاب هدایت برشمرد. از امتیازات اصول الفصول چنانکه پیشتر یاد شد، میتوان درج گزیده‌ای از آثار عارفان همعصر هدایت را در نظر گرفت که غالب آن آثار به چاپ نرسیده و در گمنامی باقی مانده‌اند. دیگر تبیین اصول و مبانی عرفان اسلامی در طی اصلها و فصلهای مختلف کتاب بطور مشروح است؛ حال آنکه کتابهای

مشابه، بیشتر به شرح احوال عارفان پرداخته‌اند. مزیت دیگر اصول الفصول، آشنایی مؤلف به تاریخ و درج مطالب تاریخی در خلال فصول کتاب است.

گذشته از اشارات تاریخی در اصول الفصول، گاه هدایت همچون یک محدث یا فقیه متبحر، آیات و روایات متعدد و مطالب فقهی و کلامی را درمی‌آمیزد و یا این مباحث را از کتابی اخذ میکند و سپس در راستای اندیشه عرفانی خود برای تأیید سخنی یا نکوهش امری استفاده میکند. این قبیل مباحث دینی، غالباً در حمایت صوفیان است و هدایت به این طریق قصد دارد تا اعمال و اعتقادات مخالفین تصوف و عرفا را از منظر دینی و مذهبی ناپسند و نکوهیده نشان دهد. برای نمونه، چون سید معصوم علیشاه دکنی دارای سیادت اهل بیت بوده است و بعدها مظلومانه به قتل میرسد، پیش از آغاز شرح احوال او بحث مفصل، درباره اهمیت و بزرگداشت سادات از کتاب تحفه الملوک مطرح میکند و عواقب مخالفین سادات را برمی‌شمارد. در موضعی دیگر و ذیل شرح احوال نورعلیشاه اصفهانی و به مناسبت لقب طریقتی ایشان، هدایت مجموعه‌ای از آیات و احادیث را در اهمیت نور و کیفیت نور معنوی بیان داشته است. همچنین در احوال مظفر علیشاه کرمانی چون سخن از طاعات بسیار او بوده است، درباره جایگاه خطیر عبادات، تهجد، نماز و روزه بحث میکند. نمونه دیگر از این دست را میتوان در شرح احوال مرحوم مجذوب علیشاه همدانی مشاهده کرد که چون علمای قشری به آزار و تکفیر او میپردازند، هدایت بحثی درباره علمای نفسانی و ربانی را مطرح میکند و با احادیث و روایات، تفاوت میان آن دو را نشان میدهد.

### نتیجه‌گیری

«اصول الفصول» نسخه خطی ارزشمند در عرفان و تصوف با نثری ساده که با قلم توانمند مورخ و ادیب برجسته دوران قاجار، رضاقلی‌خان هدایت، بنگارش درآمده است. این کتاب بر هجده اصل بنا نهاده شده است و توجه به اصول هجده‌گانه کتاب میتواند استخوان‌بندی تصوف عصر قاجار را بنمایش گذارد.

موضوع مهم دیگری که از سخنان هدایت دریافت میشود آنکه این اثر حجیم او در برگزیده تمام مطالبی است که در «بیان بعضی امور حقه» از آیات، روایات و آثار گذشتگان فراهم آمده و هدایت درباره تک تک این موارد به «شرح رشیعی» پرداخته است. در این کتاب حکایتهای متنوعی به مناسبت موضوع، بیان شده که نمونه‌ای از ادبیات داستانی در متون نثر عرفانی فارسی است. مشخصه و محتوای اصلی کتاب اصول الفصول، عشق به پروردگار و آموزه‌های عرفانی است. در حقیقت موضوع اصلی این مجموعه را میتوان با معیار و سنجه ادبیات عرفانی و دینی بررسی کرد.

هدایت در این کتاب، در مورد سلاسل عرفانی همچون: کبرویه و توضیح درباره مریدان بنام شیخ نجم‌الدین کبری، نوربخشیه، سهرودیه، صفویه، بکتاشیه، مولویه، رفاعیه، نقشبندیه میپردازد و پس از آن با تفصیل بیشتری سلسله نعمت‌اللهی، زندگی شاه نعمت‌الله ولی و مریدان بنام ایشان را معرفی و بازشناسی مینماید. اصل هجدهم کتاب به دلیل شناخت سلاسل عرفانی و چگونگی اتصال و انتساب آنها به ائمه معصومین و درنهایت امام علی (ع) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نثر هدایت پخته و استوار است و از دشواری و پیچیدگی به دور، به همین دلیل و به سبب نزدیکی این اثر به زمان ما، دارای ویژگیهای خاص و ممتاز سبکی نیست و از آنجا که این اثر منثور، همراه با ابیاتی از شعر شاعران دیگر است، مواردی از مختصات سبکی دارد. ترکیبات و عبارات عربی در کتاب بحثی است که عربی‌مآبی نویسنده در اولین صفحات کتاب مبرهن است. استشهاد به آیات و احادیث، شواهد منظوم و منثور متعدد،

ضرب‌المثلها و اقوال مشایخ و بزرگان در آن فراوان است. صنایع بدیعی نظیر جناس، مراعات‌النظیر، اشتقاق و ... در کتاب بوفور بچشم میخورد. پس با نگاهی جامع میتوان از دیدگاه زبانی و ساختاری به این نسخه خطی نگریست. از دیدگاه ساختار زبانی باید گفت نویسنده در رساله خود کوشیده است از زبان گذشتگان و رویه زبانی آنان بهره جوید تا اثر خویش را مقبول طبع عام کند؛ از اینرو از کاربردهای قدیم زبان، بسیار استفاده کرده است.

#### مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد استخراج شده است. آقای دکتر عزیزاله توکلی کافی آباد راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای سعید عابدینی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر محمود صادق زاده نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

#### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

#### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

#### REFERENCE

- The Holy Quran. (2008). Translated by the late Mehdi Elahi Ghomshei, seventh edition, Tehran: Payam Azadi.
- Arinepour, Yahya. (2003). From Saba to Nima, Tehran: Zavar, p. 50.
- Az-Dawla, Ahmad Khan. (1997). History of Azdi, Edited by Abdolhossein Nedayi, Tehran: Elm, p. 219.
- Bahar, Mohammad Taghi. (1994). Stylistics, Tehran: Amirkabir, p. 348.
- Haqshenas, Ali Mohammad. (1997). Phonetics. Tehran: Naqsh Jahan, pp. 11-12.
- Hedayat, Reza Ghali Khan, Principles of Chapters in Achieving Achievements, Majlis Library, No. 2103 (written.)



- Hedayat, Reza Ghali Khan. (1957). Rozato Al-Safa Naseri, Edited by Jamshid Kiafar, Tehran: Myths.
- Hedayat, Reza Ghali Khan. (1994). Fehrest –ol Tavarikh, Edited by Abdolhossein Navai and Mirhashem Mohaddes, Tehran: Institute of Humanities.
- Hedayat, Reza Ghali Khan. (2001). Majmaol Fosaha, Correction of the manifestations of the refinery, Tehran: Amirkabir, p. 8770.
- Hedayat, Reza Qali Khan. (N. D). Principles of Chapters in Achieving Achievements, Bu Ali Sina University of Hamadan, No. 107 b. (Linear.)
- Hosseini Eshkori, Ahmad. (2005). Index of Manuscripts in the Library of Bu Ali University, Qom: Publication of the Islamic Reserves Association.
- Hosseini Eshkori, Ahmad. (2005). List of Manuscripts in the Library of Bu Ali University, Qom: Publication of the Islamic Reserves Association.
- Mashkooch al-Dini, Mehdi. (2005). Persian grammar, Tehran: Samt, p. 130.
- Mokhber-ol saltane. (1982). Memoirs and Dangers, Third Edition, Tehran: Zavvar Bookstore, p. 28.
- Nafisi, Saeed. (1965). Index of the Library of the National Assembly, Tehran: Parliament Press, Vol 6.
- Shamisa, Sirus. (2008). Bayan, Third Edition, Tehran: Mitra, p. 38

#### فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۷). ترجمه مرحوم مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ هفتم، تهران: پیام آزادی.
- آواشناسی (فونتیگ). حق شناس، علی محمد (۱۳۷۶). تهران: نقش جهان.
- از صبا تا نیما، آرین پور، یحیی (۱۳۸۲). تهران: زوآر.
- اصول الفصول فی حصول الوصول، هدایت، رضاقلی خان (بی تا). دانشگاه بوعلی سینای همدان، شماره ۱۰۷ ب. (خطی).
- اصول الفصول فی حصول الوصول، هدایت، رضاقلی خان، کتابخانه مجلس، شماره ۲۱۰۳ (خطی). بیان، شمیسا، سیروس (۱۳۸۷). چاپ سوم، تهران: میترا.
- تاریخ روضه الصفاى ناصری، هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۶). تصحیح جمشید کیافر، تهران: اساطیر.
- تاریخ عضدی، عضدالدوله، احمدخان (۱۳۷۶). تصحیح عبدالحسین ندایی، تهران: علم.
- خاطرات و خطرات، مخبرالسلطنه (۱۳۶۱). چاپ سوم، تهران: کتابفروشی زوار.
- دستورزبان فارسی، مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۸۴). تهران: سمت.
- سبک‌شناسی، بهار، محمدتقی (۱۳۷۳). تهران: امیرکبیر.
- فهرست التواریخ، هدایت، رضاقلی خان (۱۳۷۳). تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، نفیسی، سعید (۱۳۴۴). چاپخانه مجلس، ج ۶.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه بوعلی، حسینی اشکوری، احمد (۱۳۸۴). قم: نشر مجمع ذخایر اسلامی.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه بوعلی، حسینی اشکوری، احمد. (۱۳۸۴). قم: نشر مجمع ذخایر اسلامی.

مجمع الفصحا، هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۰). تصحیح مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.

#### معرفی نویسندگان

سعید عابدینی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

(Email: [s.abedini@iauyazd.ac.ir](mailto:s.abedini@iauyazd.ac.ir))

عزیزاله توکلی کافی‌آباد: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

(Email: [a.tavakoli@iauyazd.ac.ir](mailto:a.tavakoli@iauyazd.ac.ir) (نویسنده مسئول))

محمود صادق‌زاده: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

(Email: [sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir](mailto:sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



#### Introducing the authors

**Saeed Abedini:** PhD Student in Persian Language and Literature, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

(Email: [s.abedini@iauyazd.ac.ir](mailto:s.abedini@iauyazd.ac.ir))

**Azizollah Tavakoli Kafiabad:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

(Email: [a.tavakoli@iauyazd.ac.ir](mailto:a.tavakoli@iauyazd.ac.ir) Responsible author )

**Mahmoud Sadeghzadeh:** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

(Email: [sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir](mailto:sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir))